

خطای «اکنون گرایی» در قرائت تاریخ دارالفنون

● هوشنگ غلامی

گزارش

اشاره

سالن کنفرانس «پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری»، روز چهارشنبه پانزدهم اسفندماه ۱۳۹۷، از صبح تا عصر، شاهد برگزاری نخستین همایش «از مدارس نوین تا دانشگاه در ایران» بود. این کنفرانس که در نوع خود اولین گام به شمار می‌رفت، به همت پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، برگزار شد و طی آن، جمعی از اندیشمندان، محققان و استادان برجسته دانشگاه نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود را درباره ابعاد موضوع همایش ارائه دادند. در همایش، همچنین یک «پنل گفت‌وگو» با حضور سخنرانان، اندیشمندان و حاضران برگزار و طی آن، در قالب پرسش و پاسخ، نظرات و دیدگاه‌های مطرح‌شده تبیین و تشریح شد. با هم گزارش کامل این همایش را پی می‌گیریم.

نخستین سخنران نوبت صبح همایش دکتر حسین میرزایی رئیس پژوهشکده بود که با اشاره به نقش بسیار مهم پژوهشکده‌ها، به خصوص از نظر ترکیب استفاده از استادان قوی و حرفه‌ای، خاطر نشان کرد: «با مرور کتاب‌هایی که درباره تاریخ دانشگاه نوشته شده‌اند، به نکات عجیبی دست می‌یابیم. مثلاً در یکی از کتاب‌ها، تعداد دانش‌آموزان ایران در سال ۱۳۰۱ در دوره‌های گوناگون تحصیلی حدود ۴۵ هزار نفر اعلام شده است، در حالی که این رقم در سال ۱۲۹۷ معادل ۲۴ هزار نفر بوده است؛ با تأکید بر اینکه جمعیت کشور در آن زمان حدود ۹/۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود.»

دکتر میرزایی، تعداد دانش‌آموزان کشور در سال ۱۲۹۷ را سه دهم درصد و در سال ۱۳۰۱ حدود نیم‌درصد کل جمعیت کشور عنوان کرد و افزود: اگر مکتب‌خانه‌ها را نیز به آن اضافه کنیم، حدوداً تعداد دانش‌آموزان به دو برابر افزوده می‌شود.

وی با بیان اینکه در سال ۱۳۰۵، در مجموع ۱۳۰ هزار دانش‌آموز داشته‌ایم، تأکید



حسین میرزایی



رضا ماحوزی



اقبال قاسمی پویا

کرد: «در سال ۱۳۱۹، تعداد کل دانش‌آموزان به ۳۱۴ هزار نفر، معادل ۲/۵ درصد کل جمعیت کشور، می‌رسد.»

دکتر میرزایی با بیان اینکه امروز در مقایسه با واقعیت‌های تاریخی و آموزشی، انتظاراتمان بسیار بالاست تصریح کرد، این شتابزدگی و شتابان بودن، نگاه ما را به مسائل، نگاهی آرمانی ساخته است.

وی تأکید کرد: اگر سال تأسیس دارالفنون را مدنظر قرار دهیم، در عمل می‌بینیم که حدود ۱۰۰ سال بعد از اولین اعزام‌ها به خارج از کشور، تعداد مدرسه‌ها باز اندک است و به نظر می‌رسد که در حوزه تمدنی خودمان، در بحث آموزش، با توجه به مسائل جهانی و سابقه تاریخی خودمان، مشکلاتی داریم.»

دکتر میرزایی با اشاره به اینکه در سال ۱۳۱۳ - سال تأسیس دانشگاه تهران - فقط ۱۴۴۰ دانشجو داشتیم که در پایان دوره پهلوی اول به ۲۴۵۰ نفر رسید، تصریح کرد: «جامعه ما جمع‌های است که رنج دوران برده تا به اینجا رسیده است. حتی با اینکه سابقه تمدنی خوبی داشته‌ایم، باید بیاییم و تأمل جدی روی این مقوله داشته باشیم و رخدادهای تاریخی و معنایی آموزش و فراز و نشیب‌های آن تا به امروز را بررسی کنیم.» وی در پایان دغدغه پژوهشکده را این دانست که مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم و آموزش در مسیر درست و پویا قرار گیرد.

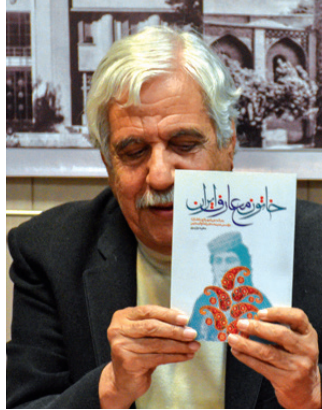
دچار غرور کاذب شده‌ایم

دکتر رضا منصوری، صاحب‌نظر در آموزش علم در ایران و مؤلف کتاب «معماری علم در ایران»، از دیگر سخنرانان نوبت صبح همایش بود که با عنوان «ایرانیان چه برداشتی از علم و دارالفنون دارند» برای حاضران سخن گفت. وی با بیان اینکه در آغاز دوره پهلوی اول یک درصد از زنان و ۱۰ درصد از مردان ما باسواد بودند، گفت: این آمار در که در

دکتر میرزایی:
در مقایسه با
واقعیت‌های
تاریخی و
آموزشی،
انتظاراتمان
بسیار بالاست



← هادی خانیکی



← سعید وزیری



← خدیجه کشاورز

دکتر منصورى:
در زمان تأسیس
دانشگاه تهران،
ما تصویری
علمی از دانشگاه
نداشتیم.
یکی از ایرانیان
آن زمان که
بیشترین شناخت
علمی را داشت،
محمدعلی فروغی
بود

مقایسه با دوران ما که حدود ۸۰ درصد از زنان جامعه مان باسواد هستند، پیام‌های بسیاری دارد.»

دکتر منصورى با تأکید بر اینکه ما دچار نوعی غرور کاذب شده‌ایم که نمی‌گذارد واقعیات را ببینیم، متذکر شد: «آمارهای کنونی نشان می‌دهند، هنوز متوجه نشده‌ایم پدیده علم و دانشگاه چیست. به نظر می‌رسد در زمان تأسیس دارالفنون کمترین برداشت و تصور را از علم داشته‌ایم. زمان تأسیس دارالفنون مستعدترین دانش‌آموزان را به این مدرسه فرستادیم، ولی بدترین معلمان را برای آن مدرسه آوردیم.»

دکتر منصورى با تأکید بر اینکه ایرانیان ۸۰-۷۰ سال پیش کمترین برداشت و فهم را از واژه شتاب داشته‌اند و در موضوع‌های ابتدایی علمی عقب بودند و درباره آهنگ تغییر کمیت چیزی نمی‌دانستند، تصریح کرد: «این در حالی است که در فلسفه، ما بسیار جلو و همچون خورشید بودیم. خود را خورشید و اروپایی‌ها را ستاره می‌دانستیم.»

وی افزود: «در زمان تأسیس دانشگاه تهران، ما تصویری علمی از دانشگاه نداشتیم. یکی از ایرانیان آن زمان که بیشترین شناخت علمی را داشت، **محمدعلی فروغی** بود. نوشته‌های خود فروغی نیز نشان می‌دهد که در آن زمان تصویری از علم نداشته، هرچند آشناترین ایرانی با مقولات علمی بوده. **عیسی صدیق** نیز این‌گونه بوده و تلقی و برداشت او از علم، نیز علمی نبوده است.»

سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیارد یورویی در حوزه پژوهش!

منصورى، با اشاره به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در موضوع تحقیقات در جهان، تصریح کرد: «به تازگی در پژوهشکده سیرو در غرب، برای انجام یک برنامه پژوهشی و تحقیقی، ۱۲ میلیارد یورو هزینه شد که این مبلغ ۲۴ برابر نیم‌میلیارد یوروی کل بودجه پژوهشی کشور ماست.



◀ غلامرضا ذاکر صالحی



◀ سید عبدالامیر نبوی



◀ محمد مهدی شاکری

صد مرکز تحقیقاتی در این پروژه ۱۲ میلیارد یورویی دخیل بوده‌اند که یکی از آن‌ها نیز در ارتباط با ایران عمل می‌کند.»

وی به «خیز کوانتومیک» به‌عنوان یک پروژه پژوهشی بسیار بزرگ دیگر که در غرب در حال انجام است، اشاره کرد و گفت: «این طرح پژوهشی نیز با هزینه و بودجه سرسام‌آوری قرار است انجام شود و سه مؤسسه نیز در این زمینه تأسیس خواهند شد.»

نمی‌توانیم علم را از دانش تفکیک کنیم

دکتر منصوری گفت: «در زمینه علوم فیزیکی، کارهای بسیاری انجام داده‌ایم. قدری به دنیا نزدیک شده‌ایم و حتی مبادله دانشجو داریم، ولی هنوز نمی‌توانیم علم را از دانش تفکیک کنیم. علم در دنیای مدرن، یک پدیده برآمده است، در حالی که دانش‌ها در کتاب‌ها هستند.»

منصوری با تأکید بر اینکه علم مدرن هیچ سنخیتی با علم ماقبل ندارد، تصریح کرد: «پدیده‌های برآمده فقط در یک سامانه و سیستم به وجود می‌آیند که در ارتباط با اجزای آن هستند.»

وی یادآور شد: «علم از تعداد زیادی آدم دانشمند و متخصص به وجود نمی‌آید. ما گفتمان علم را در ایران نمی‌شناسیم و با اجماع علمی و گفتمان علمی مشکل داریم.»

بزرگ‌نمایی آمار

دکتر اقبال قاسمی پویا، استاد بازنشسته پژوهشکده تعلیم و تربیت، دیگر سخنران همایش بود که زیر عنوان «مدارس جدید از آغاز تا حکومت پهلوی» سخن گفت. وی در آغاز با بیان اینکه «بزرگ‌ترین دروغ، آمار است»، تصریح کرد: مدرسه‌های جدید در دوره قاجار، مدرسه‌هایی هستند که از مکتب‌خانه جدا شده‌اند مدرسه جدید با مکتب‌خانه مبارزه



مسعود فراستخواه



رضا صمیم



رضا منصوری

دکتر قاسمی پویا:
مدرسه‌های جدید
در دوره قاجار،
مدرسه‌هایی
هستند که از
مکتبخانه جدا
شده‌اند

می‌کرد؛ مبارزه‌ای جانکاه که حتی به قیمت جان مدیر و معلم تمام می‌شد.»
دکتر قاسمی، با تأکید بر اینکه مدرسه‌های جدید ما در رویارویی با مدرسه‌های قدیم کار خود را آغاز کردند، افزود: «در دوره رضاخان که آموزش مطرح شد، چگونگی آموزش مطرح نبود. براساس مطالعاتی که داشته‌ام و در کتاب‌هایم نیز آمده است، همیشه این مطلب را می‌گویم که هر زمان صحبت از آموزش است، منظور آموزش با کیفیت است؛ در حالی که تاکنون برخی از آموزش‌های ما غلط بوده‌اند. به نظر من، اگر جایی و در دوره‌ای آموزش نباشد، بهتر است از اینکه آموزش غلط مطرح باشد و دقیقاً اینجاست که ما با غرب طرف هستیم.»

وی با بیان اینکه روش برخورد با غرب دو رویه دارد که یک رویه آن کارشناسی و رویه دیگر آن استعماری است، متذکر شد: «برخی هرچه در غرب بوده است را رد کرده‌اند. و برخی نیز غرب را گزینشی در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند، آنچه را که به نفع ماست، انتخاب و گزینش می‌کنیم و بقیه را حذف می‌کردند.»

آشتی احمد شرقی و امیل غربی

اقبال قاسمی تصریح کرد: «در نقد مدرسه‌های قدیم و مکتبخانه‌ها، غالباً به آموزش نو توجه شده است. از آن جمله طالب‌اف و طالب‌زاده هستند که می‌خواهند احمد شرقی و امیل غربی را آشتی دهند. مستشارالدوله نیز از جمله افرادی بود که می‌گفت علم با دین هیچ تناقض و تضادی ندارد و باید آن‌ها را آشتی داد. ایرج میرزا نیز در شعر و مکتب خود، بیانگر عوارض و مسائل مکتبخانه‌هاست و به آموزش بسیار توجه دارد.»
وی با تأکید بر اینکه امروز مسائل جدیدی در عرصه آموزش مطرح شده است، خاطرنشان کرد: میرزا حسن رشدیه یکی از بنیان مدرسه‌های جدید است که آثار متفاوتی درباره سرگذشت او نوشته شده‌اند. او معتقد بود که با روش‌های آموزشی موجود



شروین وکیلی



ناصرالدین علی تقویان



جعفر گلشن

نمی‌توانیم سوادآموزی را گسترش دهیم. او روش‌های جدیدی برای آموزش مطرح کرد و بسیار تلاش کرد تا آموزش جدید را توسعه دهد. این در حالی بود که مخالفان رشدیه معتقد بودند، آموزش جدید به سرعت بچه‌ها را از دست خانواده‌ها خارج می‌سازد. استاد دانشگاه با بیان اینکه تربیت معلم ما از سال ۱۲۹۷ آغاز می‌شود، تصریح کرد: «دارالفنون با آموزش عمومی کاری نداشت.»

آیا دارالفنون نیای دانشگاه تهران است؟

موضوع سخنان دکتر رضا صمیمی، دیگر سخنران نوبت صبح همایش، «از مدارس نوین تا دانشگاه در ایران» بود که با عنوان «آیا دارالفنون نیای دانشگاه تهران است؟» به ایراد سخن پرداخت. وی در آغاز سخنانش، با اشاره به فراز و نشیب‌های آموزش عالی مدرن در ایران، گفت: «هدف اصلی من، ارائه رویکردی بدیل برای آموزش عالی مدرن در ایران است. من تأسیس دانشگاه تهران را آغازی مطلقاً نو می‌دانم و با نظر کسانی که تأسیس دانشگاه را حاصل ترکیب آموزش عالی و آموزش عمومی می‌دانند، مخالف هستم.»

دانشگاه تهران و مدرن شدن آموزش عالی

وی تصریح کرد: «تأسیس دانشگاه تهران، امکان مدرن شدن آموزش عالی را فراهم کرد، اما نقش راهبردی آن تولید علم نیست؛ هر چند که برخی، دانشگاه تهران را با نقش تولید علم بودن تعریف می‌کنند.»

وی با بیان اینکه لحظه پدیداری آموزش عالی مدرن در ایران از زمان الغای مصوبه مهم مجلس شورا درباره القاب و عناوین آغاز شده است، تصریح کرد: «اکثر دانش‌آموزان مشغول تحصیل در دارالفنون، از نظر پیشینه‌ای، امکان تحصیل در آموزش عالی را پیدا می‌کردند.»

دکتر صمیمی:
تأسیس دانشگاه
تهران، امکان
مدرن شدن
آموزش عالی را
فراهم کرد،
اما نقش راهبردی
آن تولید
علم نیست

وی با اشاره به اینکه مشکل مهمی که برای تکوین امر عمومی وجود دارد، عدم بهره‌مندی از پول عمومی و بودجه است، افزود: «تصویب قانون ممیزی مالیاتی در سال ۱۳۰۷، اتفاق مهمی بود که به نوعی، امکان پدیده عمومی شدن را در عرصه جامعه، فرهنگ و آموزش ایجاد کرد.»

دکتر صمیم، با تأکید بر اینکه دولت فروغی در سال ۱۳۱۳، با تأسیس دانشگاه تهران، امکان تأسیس یک نهاد عمومی را ایجاد می‌کند، متذکر شد: «دانشگاه تهران زمانی بر پا شد که ما، دربار به معنای واقعی آن نداشتیم و دربار به‌عنوان محل تولید نمادهای مشروعیت‌بخش، هنوز شکل نگرفته بود.»

رضا صمیم با بیان اینکه کار کرد و ساختار دانشگاه تهران تولید دانش نبوده، بلکه شکل دادن به چرخه ایجاد نهادهای مشروعیت‌بخش بوده است، یادآور شد: «تا همین امروز هم ما به دانشگاه می‌رویم تا در سامانه، مرکز و بستر ایجاد نمادهای مشروعیت‌بخش قرار بگیریم.»

وی در پایان تصریح کرد که هنوز جایگاه واقعی و همه‌جانبه دانشگاه در کشور را نشناخته‌ایم.

دارالفنون و دغدغه جدایی از آموزش مکتبخانه‌ای

دکتر حیدری:
اگر ما به خود
پدیده تأسیس
دارالفنون
برگردیم، به خیلی
از مسائل می‌رسیم

دکتر آرش حیدری، استادیار دانشگاه، تحت عنوان «در دارالفنون چه می‌گذشت؟» با حضاران سخن گفت. وی بیان کرد: «براساس متون درسی، عملکرد و زندگی شخصیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، گزارشی تهیه کرده و به پژوهشگاه ارائه داده‌ایم که از طریق محتوا و مضمون آن، خوانش‌های مدرنیستی از دارالفنون را بررسی کرده‌ایم.»

وی با اشاره به نظر فریدون آدمیت که دارالفنون را برآمده از برهوت و کویر تلقی می‌کرد، خاطرنشان ساخت: «ما در این درباره تحقیق کردیم که آیا چنین بوده است؟ ما مقالاتی از ۸۰ سال پیش داریم که نشان می‌دهند، افراد و اشخاصی علاقه‌مند و شیفته علم و دانش بوده‌اند.»

دکتر حیدری متذکر شد: «دارالفنونی که ما می‌شناسیم، حاکی از این بود که افرادی دغدغه جدایی از آموزش مکتبخانه‌ای داشتند. اگر ما به خود پدیده تأسیس دارالفنون برگردیم، به خیلی از مسائل می‌رسیم. در این زمینه، ما متون دارالفنون را بررسی و با شخصیت‌های گوناگون صحبت کردیم.»

آرش حیدری، با اشاره به حضور و وجود سه جریان در شکل‌گیری و تأسیس دارالفنون، افزود: نگاه **ملکم** به علم، به‌عنوان معلمی با نفوذ در دارالفنون و شخصیتی خاص، یک جریان است. او به دنبال سازمان و نهاد بود و می‌خواست فناوری را در برنامه خود قرار دهد. جریان دوم، زیر چتر افرادی چون **نجم‌الدوله** و **اعتمادالسلطنه** جریان



می‌یابد که معتقد هستند، علم شرقی و غربی ندارد و نگاهشان به علم، انباشتی است. در بررسی متون متوجه می‌شویم، این افراد علم جدید را در گسست از علم قدیم نمی‌فهمند. مثلاً نجوم جدید می‌تواند بیاید و نجوم قدیم را قوت و غنا بدهد.»

در این نگاه، دارالفنون در تداوم داشته‌های علمی شکل می‌یابد. وی با اشاره به اینکه نگاه سوم به **انصاری کاشانی**، یکی از معلمان این مدرسه، برمی‌گردد، آن را نگاه خاصی به انحطاط، استبداد و درهم‌ریختگی ارزیابی کرد.

وی تصریح کرد: «ما در قرائت تاریخ دارالفنون، دچار خطای اکنون‌گرایی می‌شویم. به علاوه، خود دارالفنون را در جایگاه خود و موجودیت خود نمی‌سنجیم. ضمن اینکه دارالفنون را یک تقلید صرف تلقی می‌کنیم و آن را مدلی از پلی تکنیک می‌بینیم.»

گرفتاری در یک سرمشق نظری

دکتر **شروین وکیلی**، پژوهشگر و مدرس دانشگاه نیز از سخنرانان همایش بود که زیر عنوان «تبارشناسی دانشگاه در ایران» سخن گفت. وی در آغاز سخنانش، با اشاره به سیر حوادث و اتفاقات بین سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۳۱۰ و تأسیس دارالفنون و دانشگاه تهران، خاطر نشان کرد: «ما در یک سرمشق نظری که قدری شرق‌شناسانه و زمان‌پیشانه است، گرفتار آمده‌ایم. هنگامی که در مورد دانشگاه صحبت می‌کنیم، باید چند مفهوم از جمله مفهوم آموزش عالی و دانشگاه را دقیق‌تر بیان کنیم.»

وی با بیان اینکه ایران به لحاظ تاریخی، نهادهای آموزشی را داشته است، متذکر شد: در دوره قاجار، همه مقامات بالای سیاسی کشور از طبقات پایین جامعه هستند و مواردی

دکتر وکیلی:
ما در یک
سرمشق نظری
که قدری
شرق‌شناسانه
و زمان‌پیشانه
است، گرفتار
آمده‌ایم

غیر از این، استثنایی و بسیار نادر بوده و تحرکات اجتماعی قوی موجودند. در این دوره، با نهادهای آموزشی مدرن روبه‌رو می‌شویم. به گمان من، مدرنیته، یک موج مربوط به تمدن اروپایی است.»

حاصل برهم‌افتادگی منافع و ضرورت‌ها!

وی در پایان سخنانش نکته مهم در تأسیس دانشگاه در ایران در سال ۱۳۱۳ را برهم‌افتادگی منافع و ضرورت‌ها دانست.

علم، بخشی از طرح اجتماعی

دکتر فراستخواه:
اگر رشديه
شجاعت نداشت،
نمی‌توانست
مدرسه نوین ایران
را پایه‌گذاری کند

دکتر مقصود فراستخواه، دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی، دیگر سخنران همایش، عنوان «از دارالمعلمین تا دانشگاه تهران» را برای سخن خود انتخاب کرده بود.

فراستخواه، با اشاره به اینکه علم بخشی از طرح اجتماعی است، گفت: «من علم را به معنی تغییر جامعه ایران می‌دانم. اگر ما ضعیف هستیم، پروژه اجتماعی ما ضعیف است. در هر طرحی که داریم، علم و نهادهای آموزشی، بخشی از پروژه بزرگی هستند که مشخص می‌سازند، ایرانیان چه در فکر و نظر دارند و چه رویاهای تازه‌ای برای خود می‌سازند.»

وی افزود: «ایرانیان فکر دگرباره اندیشیدن دارند. ما نوعی پویایی اجتماعی در ایران داریم که بخشی از آن، همین نهادهای آموزشی هستند. در این زمینه، جامعه ایران بسیار متفاوت و منحصر به فرد است.»

باید آشنایی‌زدایی کنیم

فراستخواه با تأکید بر اینکه باید «آشنایی‌زدایی» کنیم، گفت: «میرزا تقی انصاری کاشانی که مطرح شد، از تبار نعمت‌اللهی بوده و دانش‌آموخته و استاد دارالفنون است. یا اعتضادالسلطنه شخصیتی است که هنوز درباره او هیچ مطلب مشخصی بیان نشده است. انصاری کاشانی هم از طریق اعتضادالسلطنه به دارالفنون آمد.»

دکتر فراستخواه با تأکید بر اینکه آرشو ملی ما نحیف است و با مشهودات در حال جنگ و صلحیم، تصریح کرد: «علم امری اجتماعی است. لذا ما باید محفوظات نیازموده را کنار بگذاریم و روند آموزش در ایران را بشکافیم. ما در ایران جنبش مشروطیت را داشتیم که مدرسه سیاسی و دیگر مراکز آموزشی در آن شکل گرفتند. حتی دارالمعلمین هم در دامان مدرسه‌ها شکل گرفت، چون ما جنبش مدرسه‌سازی داشتیم و جمعیت آموزش‌دیده به وجود آمد. چون مدیر و معلم نیاز داشتیم، پس دارالمعلمین ایجاد شد.»

پویایی اجتماعی، لازمه دانشگاه

این استاد دانشگاه، با بیان اینکه نمی‌توان پویایی اجتماعی نداشت و دانشگاه داشت، متذکر شد: «جنبش آموزش ایران خیلی پاکیزه و پاستوریزه نبود و برعکس خونین و سخت بود. من سیر تحول نهادهای آموزشی در ایران را خیلی دیالکتیکی می‌دانم. در ایران، سیاست به مدرانیزاسیون کمک می‌کرد، ولی متعصبین نمی‌گذاشتند. اگر رشديه شجاعت نداشت، نمی‌توانست مدرسه نوین ایران را پایه‌گذاری کند. اقتصاد سنتی آموزش در مقابل اقتصاد مدرن آموزش مقاومت می‌کرد. مسئله فقط سیاسی نبود.

آموزش نوین و اقتصاد سیاسی

دکتر ناصرالدین تقویان، استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی نیز در این همایش زیر عنوان «آموزش نوین و اقتصاد سیاسی دین» برای حاضران سخن گفت. وی با بیان اینکه اقتصاد سیاسی مبحثی جدی است، چون یک «فورماسیون اجتماعی» است، توضیح داد: «منظور من از اقتصاد سیاسی دین، این است که دین در فورماسیون اجتماعی، یک ارزش و سرمایه است. در اینجاست که سکه دین پدیدار می‌شود. حوزه اقتصاد سیاسی دین به واسطه آمدن آموزش نوین، شکل و شمایل خاص خود را پیدا می‌کند.»

تقویان، دوره‌های تاریخی تشیع را از صفویه به بعد به چهار دوره صفوی، قجری، پهلوی و ولایی تقسیم و ویژگی‌های هر یک از این دوره‌ها را برشمرد. وی درباره ویژگی تشیع دوره قجری گفت: «در این دوره، رابطه بین دربار و روحانیت دچار مشکل می‌شود و روحانیت از دربار دور و به ناس و بازار نزدیک می‌شود. تشیع در دوره پهلوی در عرصه اجتماعی راضی به بده و بستان‌های ارزش‌های نمادین شد. در دوره پهلوی بود که پای دین و روحانیون به روستا باز شد و بخش عمده‌ای از مکتبخانه‌ها در دهات شروع به کار کردند.»

نظام آموزشی ایران به سوی فرانسه یا انگلستان؟

دکتر رضا ماحوزی، دانشیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دبیر همایش، آخرین سخنران نوبت صبح بود که با عنوان «نظام آموزشی ایران به سوی فرانسه یا انگلستان؟» به ایراد سخن پرداخت.

ماحوزی، بیان داشت: «به محض پیروزی مشروطیت، گفتمان آموزش برای نجات مشروطیت به صورت جدی شکل می‌گیرد. با تأسیس مدرسه‌های نوین، یک موج نسبتاً ملی بزرگ، شکل می‌گیرد که باید با آموزش، مشروطیت را نجات داد و خیلی سریع

دکتر تقویان:
منظور از اقتصاد
سیاسی دین، این
است که
دین در
فورماسیون
اجتماعی،
یک ارزش و
سرمایه است



دکتر ماحوزی: دانشگاه مدرن و حکومت توتالیتر چگونه می توانند با هم جمع شوند

این موج وصل می شود به این گفتمان که اگر کشور قوی و مشروطیت می خواهیم، باید آموزش ملی داشته باشیم. میهن پرستی و وطن پرستی در همین دوره بود که وارد مفاهیم درسی و آموزشی شد. عیسی صدیق در کتاب خود، از تجربیات تحصیلش در آمریکا می گوید و اعتقاد دارد که تربیت آمریکایی بهتر از تربیت اروپایی است و آموزش باید از پایین به بالا باشد.»

دکتر ماحوزی افزود: «موضوع جالب و مهم این بود که دانشگاه مدرن و حکومت توتالیتر چگونه می توانند با هم جمع شوند. تضاد و تناقض در تجدد آمرانه و الگوی آموزش لیبرال، تنشی را در آموزش عالی ایران ایجاد کرد که هنوز هم می توان اثرات آن را مشاهده کرد.»

پنل گفت و گو

نخستین پنل گفت و گو، بعد از سخنرانی های نوبت صبح همایش، مقارن ظهر برگزار شد. در این پنل، همه سخنرانان با هم درباره نکته ها و محورهایی که در سخنرانی های خود مطرح کرده بودند، به بحث پرداختند.

دکتر رضا منصوری، آغازکننده پنل بود که در سخنانش گفت: «ما مطرح می کنیم که دارالفنون کپی نبود و یک گفتمان اجتماعی بود. در ۱۵۰ سال اخیر این اتفاق در ایران افتاد که مبتنی بر گفتمان بومی بوده است. ما مفاهیم خود را ابداع نکردیم. کلمات دانش، مدرسه و علم وجود داشتند، بدون اینکه بدانیم معانی و مفاهیم این کلمات چیست. ما اکنون به جایی و مرحله ای رسیده ایم که نمی خواهیم. ما هرگز مفهوم «ساینس» (Science) را در ایران نفهمیده ایم یکی از اشتباهات سیاستمداران ما، طرح

دکتر شاکری:
از نظر قدمت بنا،
ما دو مسجد
سپهسالار قدیم
و سپهسالار جدید
داریم

مبحث تولید علم است. علم تولید نمی‌شود، ما تولید کالا داریم. علم یک محصول برآمده است. ما اصلاً نمی‌توانیم از مبحث آموزش عالی صحبت کنیم، وقتی که مفهوم علم را درک نکرده‌ایم.

دکتر شروین وکیلی در ادامه پنل، در پاسخ به دکتر منصوری افزود: «ظاهراً درباره مفهوم علم مدرن تفاوت دیدگاه داریم. باید در مورد مبحث تعریف علم بیشتر و بهتر کار شود و مفاهیم گسستگی و پیوستگی در این مبحث باید باز شوند، چون ما روی مفهوم آموزش عالی نیز مناقشه داریم.»

دکتر ذاکر صالحی، به نقل از دکتر فراستخواه درباره تأثیر تخصص ایرانیان تحصیل کرده در اروپا در ساختن ایران مدرن گفت: «از ۶۵۰ نفری که برای نخستین بار در سال ۱۳۰۷ برای تحصیل به اروپا اعزام شدند، در بازگشت، بسیاری از آنان در تخصص خود مورد استفاده قرار نگرفتند.»

وی در پاسخ به این سؤال که: آیا در دوره‌های تاریخی چند سال اخیر، به این دلیل دانشگاه نداشتیم که طرح اجتماعی نداشتیم، گفت: «شواهد و قرائن برعکس این ادعا را ثابت کرده‌اند و می‌کنند. چون هنوز هم پلت فرم دانشگاه ما فرانسوی است و خیلی از گرفتاری‌های ما هم شاید ناشی از آن باشد.»

دکتر قاسمی پویا، سخنران دیگر بخش پنل، گفت: در ذهن من، به هر مطالعه‌ای که می‌پردازیم، در نهایت باید به این نتیجه برسیم که برای امروز ما چه فایده‌ای دارد و امروز چه باید کرد. ما خیلی به بوده‌ها اتکا می‌کنیم. در فلسفه، علم و برخی مفاهیم دیگر، مطرح می‌کنند که ما چه داشته‌ایم، ولی اکنون نداریم! تأکید می‌کنم، مشخص نبودن مفاهیم، یکی از دردهای بزرگ است و امروز ما باید گریبان کسانی را که مبهم حرف می‌زنند، بگیریم. همان‌طور که بسیاری از مشروطه‌خواهان نمی‌دانستند که مشروطه چیست، امروز هم خیلی‌ها از علم صحبت می‌کنند، ولی نمی‌دانند که علم چیست.»

شروین وکیلی هم با بیان اینکه در اروپا، نهاد همه‌کاره بوده است، یادآور شد: «همه نهادهای آموزش عالی از دل مسیحیت بیرون آمده‌اند. امروز اگر می‌پرسیم چرا در ایران، دانشگاه مدرن آسیب دیده است و خوب کار نمی‌کند و اگر درباره بازسازی و نوسازی دانشگاه صحبت می‌کنیم، باید پیشینه مباحث و موضوعات را باز و مطرح کنیم.»

مدارس ایرانی در عراق

نویت عصر همایش «از مدارس نوین تا دانشگاه در ایران» با سخنان دکتر جعفر گلشن، پژوهشگر، آغاز شد. وی عنوان سخنرانی خود را «شکل‌گیری مدارس ایرانی در عراق» (دوره احمدشاه) تعیین کرده بود. گلشن با اشاره به اینکه مدارس ایرانی در عراق، حس وطن‌دوستی و ایران‌دوستی را در عراق توسعه می‌دادند، افزود: «در پنج شهر عراق، ایرانیان مدرسه داشتند. حدود ۱۵ هزار ایرانی در دوره احمدشاه در بغداد زندگی می‌کردند. بغداد،



نجف، کربلا، کاظمین و بصره، پنج شهر محل حضور ایرانیان در عراق بودند و مدارس ایرانی در آن‌ها تأسیس شده بودند.»

وی عوامل مذهبی، مطبوعات و مشروطیت را از جمله عواملی دانست که حضور و وجود ایرانیان در این شهرها را سبب شدند و تسریع کردند. نقش **ملا محمد آخوند خراسانی** در شهر نجف نیز در ایجاد و توسعه مدارس ایرانی در عراق مؤثر بود.

نگاه امیر کبیر به داخل

دکتر خانیکی:
ایده اعزام محصل
و دانشجوی به
خارج از کشور و
آوردن استاد به
کشور، ایده‌ای
نسبتاً کهن است
و به اندیشه
پیشرفت گره
خورده است

دکتر هادی خانیکی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس کرسی ارتباطات علم و فناوری یونسکو در دانشگاه، دومین سخنران نوبت عصر همایش بود که با عنوان «واکاوی ایده و برنامه اعزام محصل و دانشجوی به خارج (از آغاز تا تأسیس دانشگاه تهران)» سخن گفت.

وی بیان داشت: «ایده اعزام محصل و دانشجوی به خارج از کشور و آوردن استاد به کشور، ایده‌ای نسبتاً کهن است و به اندیشه پیشرفت گره خورده است. بعد از شکست ایران در جنگ نخست با روسیه و بعد در جنگ دوم، در تحلیل اینکه چرا عقب ماندیم، علت در آموزش دانسته شد. یکی از بحث‌هایی که همیشه در ایران مطرح بوده، این است که: چرا دانشجویان به خارج می‌روند و بر نمی‌گردند؟ این موضوع جدید نیست و از دوره قاجار تاکنون به شکل‌های متفاوت مطرح بوده است.»

دکتر خانیکی یادآور شد: «میرکبیر نگاه به داخل داشت و به جای اعزام به خارج معتقد بود که امکانات و آموزش‌های لازم را باید به داخل کشور بیاورد. **رضاخان** نیز در دیدار با افراد اعزامی، به آن‌ها توصیه می‌کند تا به آنجا که می‌روید به فکر درس باشید.

از زمینه‌های خوب آنجا استفاده و زمینه‌های بد آنجا را فراموش کنید که یکی از مسائل بد آنجا مسئلهٔ دموکراسی بود!»

مدارس دختران

سعید وزیری، پژوهشگر و مدرس حوزهٔ آموزش و پرورش نیز در نوبت عصر همایش، با عنوان «مدارس دختران از ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷» برای حضاران به ایراد سخن پرداخت. وی گفت: «نخستین گروه زنان در سال ۱۳۱۴ به دانشگاه رفت. از سال ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۰ فقط سه دانش‌آموز دختر ابتدایی تصدیق ششم ابتدایی را دریافت کرده بودند. خانم **مه‌رتاج رخشان** اولین دیپلمهٔ فارغ‌التحصیل در کشور در سال ۱۲۸۴ است. آن زمان رسم بود که فارغ‌التحصیل به دو زبان انگلیسی و فارسی کنفرانس بدهد. خانم درخشان، پس از آن، با کمک گرفتن از پدرش چند مدرسهٔ دخترانه در شهرهای گوناگون، از جمله اصفهان و بندر انزلی، تأسیس کرد. او حتی پایه‌گذار خانه امید در کشور بود و افراد گرفتار و آلوده را جمع‌آوری می‌کرد و در این مراکز به تحصیل و می‌داشت. من در سال ۱۳۳۸ توانستم برای نخستین بار با خانم درخشان در دماوند دیدار کنم و اسناد و مدارک او را دربارهٔ تاریخ آموزش و پرورش ببینم.»

دکتر محمدمهدی شاکری، پژوهشگر، در ادامه، زیر عنوان «از مدرسهٔ سپهسالار تا دانشکدهٔ معقول و منقول» برای حضاران سخن گفت.

وی با اشاره به اینکه بازبینی هویت پژوهشی مسجد و مدرسهٔ سپهسالار، عنوان پروژه و طرح پژوهی است که در دست انجام دارد، گفت: «از نظر قدمت بنا، ما دو مسجد سپهسالار قدیم و سپهسالار جدید داریم. بانی مسجد، مدرسه و کتابخانهٔ سپهسالار، **میرزا حسین‌خان سپهسالار** در ساخت مسجد و مدرسهٔ سپهسالار تأکید بر این بود که با تجربهٔ تأسیس دارالفنون متفاوت باشد. تولید مدرسهٔ سپهسالار از سال ۱۳۰۹ به وزیران علوم سپرده می‌شود و اطلاعات موثقی از فارغ‌التحصیلان مدرسهٔ سپهسالار در اختیار نداریم.»

دکتر سیدعبدالمیر نبوی، دانشیار پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی، دیگر سخنران نوبت عصر همایش هم دربارهٔ «بازخوانی تجربهٔ مدرسه علوم سیاسی» سخن گفت. وی توضیح داد:

میرزا مهدی‌خان معتمدالدوله، مؤلف اولین کتاب حقوق بین‌الملل به زبان خارجی است که در تأسیس نخستین مدرسه علوم سیاسی همت گماشت. از آغاز، کار پذیرش مدرسهٔ علوم سیاسی با آزمون بود و اعلام شده بود که فرزندان نخبگان برای تحصیل به این مدرسه بیایند. این مدرسه دیپلم علوم سیاسی می‌داد که بعد به لیسانس تبدیل شد. مدرسهٔ علوم سیاسی برعکس دارالفنون که مطرح بود، از نظر کمی و کیفی با مشکلاتی مواجه بود؛ گرچه با بالاترین استانداردهای آن زمان کار می‌کرد و فارغ‌التحصیلان برجسته و مهمی داشت. مؤسسان این مدرسه هم می‌گفتند ما در پی تربیت اشخاص هستیم، نه فقط تربیت دیپلمات. ما مدرسه را برای تقویت زبان فارسی ایجاد کرده‌ایم.»

سعید وزیری:
نخستین گروه زنان در سال ۱۳۱۴ به دانشگاه رفت

دکتر شاکری:
از نظر قدمت بنا، ما دو مسجد سپهسالار قدیم و سپهسالار جدید داریم